

ترجمه ی مکالمات درس 1 انگلیسی هشتم

- **شایان** : آقای چایچی، این پسر عموی من سم هستش. اون به زبان های فرانسه، انگلیسی و کمی فارسی حرف می زند.
- **معلم** : اوه از دیدنت خوش حالم سم
- **سم** : من هم همچنین
- **معلم** : آیا تو اهل ایران هستی؟
- **سم** : آره، من ایرانیول اصل هستم، ولی در فرانسه زندگی می کنم.
- **معلم** : به کلاس ما خوش آمدی. چقدر ایران رو دوست داری؟
- **سم** : ایران خوب [بزرگ] هست. من عاشق ایران هستم. ایران کشوری زیبا است.

ترجمه مکالمات درس 2 انگلیسی هشتم

- **معلم** : بعد از ظهر ها چی کار می کنی ریحانه؟
- **دانش آموز** : خوب، من در روز های یکشنبه و سه شنبه بعد از ظهر ها به باشگاه می روم.
- **معلم** : جمعه صبح چطور؟
- **دانش آموز** : من در خانه می مانم و استراحت می کنم. چطور؟
- **معلم** : تو می دونی، شیوا در درس انگلیسی خوب نیست. تو می تونی بهش کمک کنی؟
- **دانش آموز** : اوه، حتما
- **معلم** : به نظر خوب می یاد. کی می تونی شروع کنی؟
- **دانش آموز** : بعد از ظهر این چهارشنبه.
- **معلم** : خوبه. ممنون. من الان بهش خبر می دم.

ترجمه مکالمات درس 3 انگلیسی هشتم

- الهام : اووو؟ نقاشی تو خیلی خوبه.
- سارا : ممنون. تو می تونی نقاشی بکشی؟
- الهام : نه، من تو نقاشی کردن خوب نیستم؟ ولی می تونم عکس های خوبی بگیرم.
- سارا : واقعا؟ می تونم عکس ها تو ببینم؟
- الهام : چرا که نه؟ این بعد از ظهر به خونه ی ما بیا.
- سارا : اوه، من نمی تونم امروز بیام. بعد از ظهر پنجشنبه چطور؟
- الهام : قبوله. تو می تونی کتاب [دفتر] نقاشی رو هم بیاری.
- سارا : حتما

ترجمه مکالمات درس 4 انگلیسی هشتم

- معلم : حالت خوبه؟
- دانش آموز : نه، خوب نیستم. سردرد دارم.
- معلم : اوه، تو جراحی چشم هم داری. تو باید بری خونه و استراحت کنی.
- دانش آموز : بله، ولی ما کلاس های دیگری هم داریم.
- معلم : نترس. من با معلمت در این باره صحبت می کنم.
- دانش آموز : ممنون از کمکتون.
- معلم : بیا بریم دفتر و اول به خانوادت زنگ بزنیم. بچه ها ساکت باشید، من چند دقیقه هی دیگه برمی گردم.

سایت سوال

www.soeal.ir

و با تشکر از وبلاگ هشتم : 
www.Hashtoom.blogfa.com